

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع پایان نامه

مبانی و سازوکارهای مهارت‌دست حکومت از منظر امام علی (ع)

استاد راهنما:

دکتر محمد محمدی کرگانی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم حسینی

نخارش:

عاطفه حرمی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق عمومی

سال تحصیلی 8788

تقدیم بہ:

روح بلند اسطورهی ہمیشہ جاودان تاریخ، مرد عدالت و آزادگی علی بن ابی طالب (ع)، ہم او کہ بر سیاست،

جامہ ای از دیانت و بر قدرت، ردایی از عدالت پوشاند.

و نیز تقدیم بہ:

روح جاودان سید شریف رضی و مرحوم حجت الاسلام محمد شتی ہم آنان کہ فرصت کرانماہ عمر را صرف نشرو

ترویج معارف علوی نمودند.

باسپاس و تقدیر فراوان از:

* پدر بزرگوارم، هم او که در خانه اش بانام و یاد و عشق علی (ع) آشنا شدم.

* مادر مهربانم، هم او که محبت علی بن ابی طالب (ع) را با شیره می جان در بند بند وجودم جاری ساخت.

* همسر همراه و شایسته ام، هم او که در سایه سار نام علی (ع) مسیر تعالی و کمال را طی می نماید.

* یگانه فرزند دلبندم، هم او که آرزو دارم قلب کوچکش همواره از عشق علی (ع) سرشار باشد.

بامشکر فراوان از مدیریت و کارکنان کتابخانه‌های دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی،

دانشکده حقوق دانشگاه تهران، پردیس قم دانشگاه تهران و جامعه الزهراء (س) قم، و همچنین مسئولین و کارکنان

محترم موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی و مرکز تحقیقات

کامپیوتری علوم اسلامی.

از اساتید محترم جناب آقای دکتر محمد محمدی کرگانی و جناب حجت الاسلام و المسلمین سید ابراهیم حسینی که

زحمت راهبانی و مشاوره بنده را در طی مراحل تدوین و نگارش این رساله به عهده داشتند و همواره از راهبانی‌های

بی دریغ‌شان کمال استفاده را نمودم، بی نهایت سپاسگزارم.

در ضمن از جناب آقای دکتر احمدوندنیر که زحمت دآوری این رساله را به عهده گرفته‌اند کمال تشکر و امتنان

را دارم.

بر خود فرض می‌دانم از جناب آقای دکتر محمدی استاد راهنمای محترم که با کمال بزرگواری و

اعتقاد راسخ به حق آزادی عقیده و بیان دانشجویان به رغم اختلاف‌های بنیانی که با برخی دیدگاه‌های

مطرح شده در این رساله داشتند با طرح و تبیین آنها و چاپ پایان نامه این جانب موافق نمودند

کمال تشکر را به عمل می‌آورم.

فهرست مطالب

۱	طرح تحقیق.....
۲	چکیده:.....
۳	بیان موضوع:.....
۵	سوالات تحقیق:.....
۵	فرضیات:.....
۶	ضرورت تحقیق:.....
۷	اهداف پژوهش:.....
۸	سابقه پژوهش (پیشینه):.....
۹	شیوه‌ی تحقیق:.....
۱۰	فصل اول: مفاهیم و کلیات.....
۱۱	مبحث اول: مفاهیم.....
۱۱	گفتار اول: قدرت.....
۱۴	گفتار دوم: قدرت سیاسی.....
۱۹	گفتار سوم: حکومت.....
۲۲	گفتار چهارم: مهار قدرت.....
۲۴	مبحث دوم: کلیات:.....
۲۴	گفتار اول: لزوم وجود قدرت سیاسی در جامعه.....
۳۱	گفتار دوم: شاخصه‌های قدرت سیاسی.....
۳۴	گفتار سوم: ضرورت مهار قدرت سیاسی.....
۳۹	گفتار چهارم: بایسته‌های کنترل قدرت.....
۴۱	فصل دوم: مهار قدرت حکومت از منظر امام علی (ع).....
۴۳	مبحث اول: مبانی مهار قدرت حکومت از منظر امام علی (ع).....
۴۳	گفتار اول: نگاه ابزاری به قدرت سیاسی.....

- ۴۴.....الف) هدف غایی و عالی حکومت:
- ۴۶.....ب) اهداف متوسط حکومت:
- ۴۷.....گفتار دوم: امانت بودن حکومت.
- ۴۹.....گفتار سوم: قانون مداری.
- ۵۱.....گفتار چهارم: خطا پذیر بودن حاکم.
- ۵۳.....مبحث دوم: ساز و کارهای مهار قدرت حکومت از منظر امام علی (ع).
- ۱- عدالت (عدالت اجتماعی و عدم تبعیض، توزیع قدرت، لزوم یکسان زیستی زمامداران جامعه با اقشار ضعیف).....
- ۵۵.....
- ۵۵.....گفتار اول: عدالت.
- ۵۵.....بند اول: عدالت اجتماعی و عدم تبعیض:
- ۵۶.....امور شخصی، اقتصادی و اجتماعی.
- ۶۰.....بند دوم: توزیع قدرت.
- ۶۳.....بند سوم: لزوم یکسان زیستی زمامداران جامعه با اقشار ضعیف.
- ۶۵.....گفتار دوم: نظارت بر حاکمیت.....
- ۶۵.....بند اول: نقد قدرت و نظارت بر آن از سوی مردم.
- ۷۱.....بند دوم: بازرسی و نظارت.
- ۷۵.....بند سوم: نظارت درونی.
- ۸۴.....بند چهارم: شایسته سالاری.
- ۸۷.....بند پنجم: کنترل دارایی مسئولین نظام.
- ۸۸.....بند ششم: نظارت سخت بر کار نزدیکان.
- ۸۹.....بند هفتم: ارزشیابی کارکنان و تشویق و تنبیه آنان.
- ۹۳.....بند هشتم: عزل کارگزاران خاطی.....
- ۹۴.....گفتار سوم: نحوه تعامل میان حاکم و مردم.
- ۹۴.....بند اول: فروتنی در برابر مردم و مهر و عطف نسبت به آنها.
- ۹۷.....بند دوم: انصاف در حکومت.
- ۹۸.....بند سوم: احترام به حقوق مخالفین سیاسی.

- بند چهارم: صداقت و صراحت حاکم با مردم (عدم احتجاب)..... ۱۰۶
- بند پنجم: نکوهش چاپلوسی و تملق حاکم..... ۱۰۹
- بند ششم: بهره گیری از مشاوران شایسته..... ۱۱۰
- گفتار چهارم: تأمین مالی کارگزاران..... ۱۱۷
- فصل سوم: بررسی تطبیقی مهار قدرت سیاسی در غرب (تئوری غالب) و اسلام (تفکر شیعی با تاکید بر دیدگاه های امام علی (ع))..... ۱۱۹
- مبحث اول: پیشینه ی تئوری مهار قدرت حکومت در غرب..... ۱۲۰
- گفتار اول: مهم ترین ساز و کار مهار قدرت سیاسی در غرب (تفکیک قوا) (separation des pouvoirs)..... ۱۲۲
- گفتار دوم: ادله ی منتقدان و طرفداران تفکیک قوا..... ۱۲۹
- بند اول: دلایل منتقدان تفکیک قوا..... ۱۲۹
- بند دوم: دلایل طرفداران تفکیک قوا..... ۱۳۱
- مبحث دوم: جایگاه تئوری مهار قدرت حکومت در اسلام (تفکر شیعی با تاکید بر دیدگاه های امام علی (ع))..... ۱۳۴
- گفتار : ساز و کارهای مهار قدرت حکومت در اسلام (تفکر شیعی با تاکید بر دیدگاه های امام علی (ع))..... ۱۳۷
- بند اول: کنترل بیرونی..... ۱۳۷
- بند دوم : کنترل درونی..... ۱۳۹
- خلاصه و نتیجه گیری..... ۱۴۳
- فهرست منابع..... ۱۴۶



طرح تکتصیفی



چکیده:

آنچه در این رساله، مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است به صورت سه عنوان کلی و در سه فصل مجزا بیان گردیده است. ابتدا به توضیح برخی مفاهیم و واژه های کلیدی همچون قدرت، قدرت سیاسی و مهار قدرت پرداخته شده و کلیاتی در این زمینه همچون لزوم وجود قدرت سیاسی در جامعه و ضرورت مهار آن مورد بحث قرار گرفته است. و در نهایت، هم، قدرت سیاسی، امری ضروری و هم لازمی مهار نمودن آن، موضوعی بدیهی فرض شده است.

در فصل دوم، یک بررسی تطبیقی میان مبانی و ساز و کارهای مهار قدرت حکومت از دو دیدگاه غربی (تئوری غالب) و اسلامی (تفکر شیعی با تاکید بر دیدگاه های امام علی (ع)) صورت گرفته و ضمن بیان این موضوع که از هر دو منظر، امر مهار قدرت موضوعی مهم و مورد تایید است، سیستم دینی بدلیل اینکه علاوه بر مکانیسم های بیرونی مهار قدرت به سازوکارهای درونی نیز توجه دارد، جامع تر و در امر مهار قدرت، موفق تر ارزیابی شده است.

در فصل سوم، موضوع اصلی پژوهش مطرح گردیده و در دو مبحث جداگانه، مبانی و سازوکارهای مهار قدرت حکومت از منظر امام علی (ع) بیان شده که البته موضوعاتی که در مبحث مبانی آمده است هر کدام به عنوان پایه و اساس برای سازوکارهای مذکور در مبحث دوم، تعریف شده اند.

بیان موضوع:

بحث از قدرت، ساختار، مفهوم و مبانی آن از مباحثی است که از دیرباز در حوزه‌ی علوم انسانی و بطور ویژه در مباحث مربوط به حقوق عمومی و علوم سیاسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. مفهومی جدال برانگیز با کارکردهایی متفاوت و گاه کاملاً متمایز که غالباً در بطن تمامی مباحثات حقوقی و منازعات سیاسی به گونه‌ای رخ می‌نماید.

البته مقصود ما از قدرت - آنچنانکه در این رساله مطرح می‌شود - قدرت حکومت، قدرت حاکمیت

یا به تعبیری قدرت سیاسی موجود در جامعه است. قدرتی که بر پایه‌ی آن، فرمانروایان می‌توانند

حاکمیت خود را بر فرمانبران اعمال نموده و موجودیت سیاسی خود را حفظ نمایند.

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های مطرح در این حوزه آن است که آیا براستی این قدرت در مفهوم

واقعی خود، امری مطلوب به شمار می‌رود یا نامطلوب؟ آیا وجود یا عدم وجود آن، تأثیر خاصی بر

مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه می‌گذارد؟ و اصولاً آیا ساختار قدرت در یک

جامعه‌ی سیاسی باید مهار گردد و بر آن نظارت شود یا اینکه حاکمیت، اصولاً بی‌مهار است و به هیچ

ضابطه و معیاری تن نمی‌دهد؟ و در فرض پذیرش ضابطه‌های نظارتی و تن دادن به سیستم کنترلی، مهار

قدرت با چه عواملی و بر اساس چه مبانی و اصولی و از طریق چه سازوکارهایی باید صورت گیرد تا

بتواند نتیجه‌ی مطلوب را بدست دهد؟

شاید بتوان گفت تردیدی در لزوم مهار قدرت به منظور جلوگیری از استبداد، خودکامگی و برخی

مفاسد دیگر نباشد اما آیا بر حاکمان، تنها پس از رسیدن به قدرت باید نظارت گردد و قدرتشان مهار

شود آن هم با ابزارهای مهار بیرونی و یا اینکه قبل از این نیز باید تدابیری اندیشیده شود که جز افراد

صالح به قدرت نرسند (پیشگیری)، و پس از رسیدن به قدرت هم با شیوه‌های مناسب بر آنان نظارت

صورت گیرد؟

به هر صورت، نگرش دو دیدگاه فوق‌الذکر در زمینه‌ی مدیریت جامعه، شیوه‌های آن و مبانی قدرت، متفاوت است. ما در این تحقیق برآنیم که ضمن نگاهی به این موضوعات، مسأله را از دیدگاه امام علی (ع) بازکاوی نمائیم.

بی‌شک در هر سیستم حکومتی که بحث مهار و کنترل قدرت مطرح می‌شود این مفهوم از برخی پشتوانه‌های حقوقی، مذهبی فرهنگی و یا اخلاقی نشأت می‌گیرد که با بدست آمدن این اصول و تطبیق آنها با شرایط روز جوامع سیاسی می‌توان تصویری واقعی از یک سیستم نظارتی با سازوکارهایی نظام‌مند و مشخص بدست آورد.

آنچه در این رساله، مورد پژوهش قرار خواهد گرفت بررسی مبانی نظری و فکری امام علی (ع) در بحث مهار قدرت حکومت به عنوان یک اندیشمند بزرگ اسلامی در عرصه‌های مختلف سیاسی، حقوقی و ... است که توانست در عرصه‌ی حکومت داری نیز با استناد و تمسک به آن مبانی به ایجاد سازوکارهایی گوناگون در این زمینه دست زند.

البته بر هر محقق روشنفکری آشکار است که مبانی، اندیشه‌ها و شیوه‌ی حکومت داری علی بن ابی طالب (ع) نیز مانند سایر اندیشمندان برجسته‌ی تاریخ به نوبه‌ی خود منتقدان و مخالفانی دارد که با انتقادات خود، اهتمام ویژه‌ی علی (ع) را به بحث مهار قدرت حکومت و توجه به آزادیهای عمومی و حقوق شهروندی، به چالش کشیده و محل بحث و جدل نموده اند.

سعی نگارنده بر این است که در این پژوهش با بررسی مبانی و سازوکارهای مهار قدرت حکومت از منظر امیرالمؤمنین علی (ع)، بررسی امانت دارانه‌ی دیدگاههای منتقدان و ارائه‌ی پاسخ‌های مستدل به آنها، تصویر روشن و شفاف‌ی از بحث ارائه نموده تا خوانندگان محترم بتوانند با فراخ‌خاطر و به دور از جانبداری‌های صرفاً مؤمنانه بلکه با زبان منطق و استدلال، جایگاه موضوع اساسی مهار قدرت سیاسی

را از دیدگاه علی (ع) مورد مطالعه قرار دهند و در نهایت بتوانند به یک جمع بندی دقیق و مطمئن دست یابند.

سوالات تحقیق:

در این پژوهش، درصدد پاسخ گویی به دو سؤال اصلی و سه سؤال فرعی می باشیم.

الف) سوالات اصلی:

۱ آیا امام علی (ع) در موضوع کنترل قدرت حکومت، مبانی فکری و نظری خاصی داشته اند؟

۲ آیا امام علی (ع)، ساز و کارهایی جهت مهار قدرت حکومت داشته اند؟

ب) سوالات فرعی:

۱ آیا در اسلام (تفکر شیعی با تاکید بر دیدگاه های امام علی (ع)) نظریه ی مهار قدرت سیاسی

مورد تأیید است؟

۲ تفاوت دیدگاه اسلام (تفکر شیعی با تاکید بر دیدگاه های امام علی (ع)) و دیدگاه غربی (تئوری

غالب) در خصوص بحث مهار قدرت حکومت چیست؟

۳ آیا مبانی و سازوکارهای مهار قدرت حکومت از نظر امام علی (ع) قابل انتقال به حکومت های

فعلی در دنیای امروز می باشند؟

فرضیات:

الف) فرضیه های اصلی:

۱ آری؛ ایشان یک سری مبانی فکری و نظری، جهت مهار قدرت حکومت داشته اند. که به نظر می

رسد که عبارتند از: الف) نگاه ابزاری به قدرت سیاسی، ب) امانت بودن حکومت، ج) قانون مداری، د)

خطا پذیری حاکم.

۲ آثری؛ ایشان، ساز و کارهایی را برای مهار قدرت حکومت بکار می‌گرفتند که کلیات آنها ذیل این عبارات آمده اند: الف) عدالت، ب) نظارت بر حاکمیت، ج) نحوه تعامل میان حاکم و مردم، د) تامین مالی کارگزاران.

ب) فرضیه های فرعی:

۱ آثری؛ اسلام - به معنای فوق الذکر - نظریه‌ی مهار قدرت حکومت را کاملاً مورد تأیید قرار می‌دهد.

۲ - از دیدگاه تئوری غالب در غرب چون قدرت سیاسی، امری ذاتاً فساد آور است باید مهار شود با مکانیسم‌های غالباً بیرونی، از دیدگاه تفکر شیعی به ویژه با تکیه بر دیدگاه های امام علی (ع) علاوه بر فساد آوری قدرت، چون قدرت سیاسی، ابزار و حکومت، امانت است باید بر آن نظارت شود با دو دسته ساز و کارهای مهار بیرونی و درونی قدرت.

۳ به نظر می‌رسد مبانی، اموری ثابت و قابل انتقال به شرایط حکومت‌های کنونی هستند اما ساز و کارها با توجه به شرایط زمانی و مکانی می‌توانند تغییر یابند.

ضرورت تحقیق:

به نظر می‌رسد با وجود اینکه به صورت منسجم و یا پراکنده، مطالب بسیار زیادی در کتابها و مقالات مختلف پیرامون شیوه‌ی حکومت داری امام علی (ع)، مبانی و سازوکارهای حاکمیت از نظر ایشان و مباحث مرتبط با این مقوله تهیه و تنظیم شده و با عناوین و سرفصلهای مختلف ارائه شده است، اما جای خالی پژوهشی که اختصاصاً بحث مهار قدرت حکومت را از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) از دو بُعد مبانی و سازوکارها به صورت تفکیک شده بیان نماید احساس می‌شد.

پژوهشی که بتواند ضمن واکاوی مفاهیمی چون قدرت، قدرت سیاسی و مهار قدرت، به بررسی آراء،

نظرات و شیوه‌ی عملکرد علی (ع) در این زمینه پرداخته، ضمن استنتاج مبانی ثابت از منظر ایشان،

راهکارهایی را نیز که تا حدودی قابل انطباق با شرایط حکومت‌های امروزی می‌باشند از سیره و سخنان آن حضرت اخذ نموده و ارائه نماید تا باشد که بتواند به عنوان الگو و منشوری ماندگار، حاکمان را از توهم خطاناپذیری و بی‌نیازی از مشاوره و نقد و مصلحت‌اندیشی مردم بیرون آورده و در یک کلام، قدرت بلامنازع حاکمیت را مهار نماید.

اما نکته‌ای که وجود دارد اینکه در اکثر قریب به اتفاق منابعی که در خصوص سیره‌ی حکومت و حکومت‌داری از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع) مورد مطالعه نگارنده قرار گرفتند مباحث انتقادی که نسبت به شیوه‌ی حکومت‌داری امام علی (ع)، مخالفین و منتقدین ایشان در منابع خود ذکر کرده‌اند، به چشم نمی‌خورد.

و برخی دیگر از منابع چون نوشته‌های لامنس - مستشرق بلژیکی - و یا دائرة المعارف اسلام چاپ لیدن هلند که متعرض معرفی شخصیت و شرایط زمامداری امام علی (ع) شده‌اند تنها بعد دافعه علوی را - از منظر خود - مورد بررسی قرار داده‌اند.

حال آنکه بنظر می‌رسد پژوهشی علمی و محققانه به دور از جانبداری‌های صرفاً مؤمنانه و یا انتقادات صرفاً متعصبانه همراه با تقابل دیدگاه‌های مختلف می‌تواند راه را برای قضاوتی روشن و شفاف باز نموده و ابعاد مختلفی از بحث مهار قدرت حکومت را در سیره و سخنان علی بن ابیطالب (ع) تشریح نماید.

اهداف پژوهش:

منظور از این پژوهش تبیین این معنی بوده است که از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) قدرت و حاکمیت نباید اموری بی‌ضابطه، یله و رها شده باشند، بلکه باید ضمن تمشیت صحیح امور سیاسی جامعه، قدرت حکومت را مهار نمود و از استبداد حاکمان بر مبنای یک سری اصول متقن و استوار جلوگیری نمود؛
آنگاه مبانی و شاخصه‌هایی را که آن حضرت در موضوع مهار قدرت بدان توجه داشتند و بر اساس آنها

با حاکمیت دیکتاتوری و مستبدانه، مخالفت می ورزیدند، استخراج نموده و بیان نماییم. شاید که این کار بتواند به عنوان مقدمه‌ای برای پژوهش‌های دیگر در مباحث مربوط به حقوق اساسی، قدرت سیاسی، مهار قدرت و به خصوص نقطه نظرات امیرالمؤمنین علی (ع) در این موارد، مورد استفاده‌ی محققان و علاقه‌مندان قرار گیرد.

سابقه پژوهش (پیشینه):

در خصوص شیوه‌ی حکومت داری علی (ع) که در خلال آن به مباحث مربوط به مهار قدرت از منظر ایشان پرداخته شده است تاکنون کتابها و مقالات متعددی به نگارش درآمده اند که بخش اعظمی از مطالب این نوشتارها به توضیح و تفسیر عهدنامه‌ی مالک اشتر پرداخته اند. همچنین خطبه‌های حکومتی و نامه‌های مهمی که آن حضرت در دوران زمامداری خود نوشته اند، منابع تاریخی و روایی و نقل قولهایی که از ایشان بر جای مانده، توسط نویسندگان ملاک عمل قرار گرفته و از این طریق، ساختار حکومتی امیرالمؤمنین علی (ع) را ترسیم و تبیین نموده اند.

منابعی همچون: شرح‌های مختلف بر نهج البلاغه چون شرح ابن ابی الحدید، شرح صبحی صالح (استاد دانشگاه لبنان)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه اثر آیت الله حسن زاده آملی، خوئی، کمره‌ای، میانجی، شرح ابن میثم و ...

و همچنین آثاری چون: موسوعة الامام علی بن ابی طالب (ع) و سیاست نامه امام علی (ع) محمد محمدی ری شهری، مسند الامام امیرالمؤمنین عزیز الله عطاردی، ناسخ التواریخ میرزا محمد تقی لسان الملک سپهر، امام علی صوت العدالة الاسلامیه جرج جرداق، سیری در نهج البلغه و جاذبه و دافعه علی (ع) مرتضی مطهری، حکمت اصول سیاسی اسلام (تفسیر فرمان مالک اشتر) محمد تقی جعفری، شرح غرر و درر آمدی سید جلال الدین محدث، امام علی ابن ابی طالب (ع) عبدالفتاح عبدالمقصود، دانش نامه امام علی (ع) زیر نظر علی اکبر رشاد و ...

همانطور که گفته شد پژوهش‌های پیش‌گفته و سایر منابع اینچنینی، محتوی و مواد اولیه مطالب خود را از منابع دست اول تاریخی و روایی همچون نهج البلاغه و شرح‌های مختلف آن، تاریخ یعقوبی، تحف العقول، وسایل الشیعه، بحارالانوار، غررالحکم و دررالکم، الجمل، الغدير و ... استنتاج نموده‌اند. و اصولاً با ادبیاتی مؤمنانه و از موضع شیعیان معتقد به ولایت علی بن ابیطالب (ع)، ساختار حکومتی ایشان و نظرات سیاسی آن حضرت را تفسیر و تبیین نموده‌اند.

برخی دیگر از نویسندگان - عموماً اهل سنت - با دیدی بعضاً انتقادی، برهه‌هایی از تاریخ زندگی سیاسی و حکومتی علی (ع) را مورد مطالعه قرار داده‌اند. کسانی همچون طه حسین در کتاب علی و فرزندان، عباس محمود عقاد در کتاب شخصیت علی (ع) یا مستشرق بلژیکی، لامنس، در کتاب معاویة الاول. همچنین برخی از نویسندگان و متفکران غیر مسلمان نیز بعضاً در خصوص برخی برهه‌ها و ابعاد زندگی امام علی (ع) آثار و مطالبی به جای گذاشته‌اند. همچون جبران خلیل جبران نویسنده معروف مسیحی، بارون کاردایفو دانشمند فرانسوی، شبلی شمیم از پیشتازان مکتب مادی گرای، امین نخله دانشمند مسیحی، توماس کارلایل فیلسوف انگلیسی، رودلف محقق و نویسنده آلمانی، بولس سلامه ادیب و حقوق دان مسیحی، واشنگتن ارونیک محقق و نویسنده آمریکایی، میخائیل نعیمه نویسنده صاحب نظر و متفکر مسیحی عرب و ...

در مجموع می‌توان گفت بنده، تحقیق جامعی را که اختصاصاً به بحث مهار قدرت حکومت از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) به صورت مفصل و همراه با تقابل دیدگاه‌های مختلف پرداخته باشد، مشاهده نکرده و جای آن را خالی دیدم؛ لذا بر آن شدم تا در حد بضاعت به این بحث بپردازم.

شیوه‌ی تحقیق:

شیوه‌ی گردآوری مطالب و تهیه و تنظیم آنها به صورت تحقیقات کتابخانه‌ای و جستجو در منابع اینترنتی و سپس تحلیل آنها، به ویژه با رویکرد تطبیقی بوده است.



فصل اوّل:

مفاهیم و کلیات



مبحث اول: مفاهیم

گفتار اول: قدرت

قدرت یکی از مفاهیم محوری و اساسی در علم سیاست به شمار می‌رود. تعاریف بسیاری از این واژه توسط اندیشمندان و نظریه پردازان مختلف ارائه شده است. تعاریفی که همه‌ی آنها بر گرد یک مفهوم کلیدی قرار دارند و آن، توانایی تسلط یک فرد یا گروه بر فرد یا افراد دیگر می‌باشد که بروز این توانایی گاه به صورت امکان نفوذ و تأثیر گذاری است و گاه به صورت زور و اجبار.

قدرت (power) قرابت نزدیکی با مفهوم سلطه (domination) دارد. برخی نویسندگان^۱ این دو

را مفاهیمی کاملاً مترادف گرفته اند. اما برخی دیگر مانند ماکس وبر با تمایز قائل شدن میان این دو مفهوم، قدرت را چنین تعریف می‌کند: «قرار داشتن در موقعیتی برتر که امکان می‌دهد تا خواست خود را علی‌رغم هر مقاومتی تحمیل نماید.»^۲ در حالیکه سلطه را «نفوذ در افرادی معین، جهت فرمانی خاص دانسته و قدرت را کلی‌تر از سلطه معنی کرده است.»^۳ برتراند راسل کتاب مفصلی پیرامون «قدرت» به نگارش در آورده است که در آن قدرت را «پدید آورنده‌ی آثار مطلوب» تعریف می‌کند. تعریفی که هانا آرنست از قدرت به دست می‌دهد بیشتر متمایل به تعریف قدرت سیاسی است تا یک تعریف جامع و مانع از قدرت. او قدرت را به عبارتی زور تخصیص یافته و مقید می‌داند.^۴

در حالیکه می‌بینیم برتراند راسل به صورتی عام‌الشمول‌تر قدرت را تعریف نموده است، طوری‌که همه حوزه‌های اجتماعی و انسانی را در بر می‌گیرد. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که نگاه راسل به

۱ - قائم مقامی، سید عباس حسینی، قدرت و مشروعیت، ج اول، (بی نا، انتشارات اسوه، ۱۳۷۹).

۲ - وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه ی: منوچهری و (بی نا، مولی، ۱۳۷۴)، ص ۶۵.

۳ - پیشین، صص ۸۸ و ۸۷.

۴ - آرنست، هانا، خشونت، ترجمه ی فولادوند، (بی نا، خوارزمی، ۱۳۵۹)، ص ۵۷.